

ویژگی های آغاز یا سرآغاز هر پدیده اجتماعی:

- ✓ غالباً هیجان انگیزترین لحظه آن است؛ لحظه ای سرشار از بیم و امید، شگفتی، تنش، دلهره و ... است.
- ✓ شفاف ترین لحظه آن است. (سانسور نشده ترین لحظه آن است) و به همین دلیل اطلاعات قابل توجهی را از آن پدیده در اختیار ما می گذارد.
- ✓ سرگذشت و سرنوشت آن پدیده را بطور خلاصه در خود دارد. (نشانگر این است که پدیده اجتماعی؛ از کجا آمده، آمدنش بهر چه بوده و به کجا می رود).

چگونگی مواجهه جهان غرب با سایر جهان های اجتماعی از جمله جهان اسلام:

- ✓ جهان غرب ابتدا بصورتی خودنمایانه و مرعوب کننده به نمایش نمادهای پیشرفته نظامی، اقتصادی، سیاسی و تکنولوژیک خود به سایر جهان های اجتماعی از جمله جهان اسلام پرداخت. (نمایش پرزرق و برق لایه های سطحی).
- ✓ این نمایش پر زرق و برق از پیشرفت های جهان غرب به نوعی با مخفی ماندن لایه های عمیق یا همان باورها و ارزش های جهان غرب از چشم اعضای سایر جهان های اجتماعی همراه شد. (مخفی ماندن لایه های عمیق).

توضیح: جهان غرب ابتدا با سطحی ترین و ظاهری ترین لایه های هویتی خود (با نمادهای خود) با سایر جهان های اجتماعی از جمله جهان اسلام، مواجه شد و بیش از همه وجوه نظامی، سیاسی، اقتصادی، فناورانه و ... خود را به رخ کشید اما لایه های عمیق آن از چشم اعضای سایر جهان های اجتماعی مخفی ماند.

نکته: سبک مواجهه جهان غرب با سایر جهان های اجتماعی (نمایش خودنمایانه و مرعوب کننده در سطح نمادها) بر چگونگی رویکرد و مواجهه سایر جهان های اجتماعی با جهان غرب تأثیر فراوانی گذاشت. بدین ترتیب که: اغلب اعضای جهان های اجتماعی غیر غربی به گونه ای خودتحقیرانه به ستایش جهان غرب پرداختند، خود را عقب مانده و بی کلاس و جهان غرب را پیشرفته و باکلاس فرض نمودند.

نمایش خودنمایانه و مرعوب کننده جهان غرب ← احساس خود تحقیری جهان های اجتماعی غیر غربی و رویکرد ستایش آمیز آنها نسبت به جهان غرب

چگونگی مواجهه جهان اسلام با جهان غرب:

شرایط حاکم بر جهان اسلام در نخستین رویارویی های جهان غرب با آن:

- ✓ قدرت های سیاسی جهان اسلام؛ علیرغم رعایت ظواهر اسلامی؛ در اصل بصورت استبدادهای قومی و قبیله ای بودند.
- ✓ فقاقت و عدالت، بعنوان دو عنصر برتر در فرهنگ اسلامی؛ در حاشیه مناسبات قدرت های قومی، باقی مانده بودند.
- ✓ دولت های کشورهای مسلمان به میزان دوری از سنت های دوری و اسلامی؛ آسیب پذیری بیشتری در برابر کشورهای غربی پیدا می کردند. (یعنی؛ هر چقدر دولت های کشورهای مسلمان؛ از ارزش ها و سنت های اسلامی دور می شدند به همان اندازه آسیب پذیری بیشتری در برابر جهان غرب پیدا می کردند).
- ✓ قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی و جاذبه های دنیوی کشورهای غربی؛ دولتمردان کشورهای اسلامی را مرعوب و شیفته فرهنگ غرب می ساخت.
- ✓ شیفته و مرعوب شدن دولتمردان کشورهای اسلامی در برابر جهان غرب؛ موجب تضعیف عزت و استقلال کشورهای اسلامی می شد.

اساسی شکل گیری بیدارگران اسلامی :

شکل گیری استعمار و نفوذ دولت های غربی در کشورهای اسلامی، اساس شکل گیری بیدارگران اسلامی در جوامع اسلامی بود.

نخستین بیدارگران اسلامی : (نخستین آگاه کنندگان اسلامی) (The first Islamic awakens):

مهمترین ویژگی های نخستین بیدارگران اسلامی:

- به خطر کشورهای غربی برای جوامع اسلامی توجه داشتند و خواستار استقلال اقتصادی و سیاسی جوامع اسلامی بودند.
- به شیوه برخورد دولت های اسلامی در برابر غرب توجه داشتند و جنبش هایی را در مقابله با غرب بوجود آوردند.
- بدنبال اصلاح رفتار دولت ها در کشورهای اسلامی بودند.
- بیداری را به معنای بازگشت به اسلام و عمل به آن می دانستند.
- بسیاری از آنان وحدت امت اسلامی و عزت جهان اسلام را دنبال می کردند و قومیت های مختلف را در درون امت واحد اسلامی به رسمیت می شناختند..
- با وجود رویکرد اعتراض آمیز به غرب، شناخت عمیقی از فرهنگ غرب نداشتند و خطر غرب را بیشتر در سلطه گری و قدرت سیاسی و اقتصادی آن می دیدند.
- برخی از آنان دوری مسلمانان از عمل به اسلام را عامل ضعف جوامع اسلامی می دانستند و گمان می کردند دلیل قدرتمندی جوامع غربی این است که عملکرد آنها اغلب همان است که مورد توجه اسلام نیز می باشد. (جمله معروف محمد عبده از شاگردان سید جمال الدین اسدآبادی در کشور مصر: در شرق مسلمان دیدم و اسلام را ندیدم و در غرب، اسلام را دیدم و مسلمان ندیدم).

نمونه هایی از حرکت های نخستین بیدارگران اسلامی در جهان اسلام از جمله ایران :

در ایران : حضور فعال عالمان دینی در مقابله با روسیه تزاری و تدوین رساله های جهادیه، اصلاحات امیرکبیر و حکم میرزای شیرازی در تحریم تنباکو .

سایر کشورهای اسلامی : اقدامات سید جمال الدین اسدآبادی و شاگردان او از جمله محمد عبده در مصر و سایر کشورهای اسلامی.

مؤثر الفکران و روشنفکران غرب گرا (Western-Oriented Intellectual): (نسل اول روشنفکران)

ویژگی های منورالفکران غرب گرا:

- ✓ شیفته فرهنگ غرب بودند.
- ✓ نسبت به کشورهای استعمارگر، احساس خطر نمی کردند، بلکه حضور سیاسی و اقتصادی آنان را فرصت می دانستند.
- ✓ عمدتاً در لژهای فراماسونری سازمان می یافتند و خود را بیدارگر می نامیدند. لژ آدمیت و لژ بیداری ایرانیان از اولین لژهای بود که در ایران تأسیس کردند.
- ✓ مانند نخستین بیدارگران اسلامی، خواستار اصلاح رفتار دولت ها در کشورهای اسلامی بودند.
- ✓ برخلاف نخستین بیدارگران اسلامی؛ بیداری را بازگشت به اسلام نمی دانستند بلکه بیداری را در گذر از فرهنگ اسلامی و پیوستن به فرهنگ غربی و تقلید از رفتار فرنگیان(غربی ها) می دیدند.
- ✓ مفهوم امت و ملت اسلامی برای آنها بی معنا یا منفور(مورد نفرت) بود و در مقابل به ناسیونالیسم (ملی گرایی) که اندیشه سیاسی قوم گرایانه غرب بود، روی آورده بودند.
- ✓ اومانيسم را به آدمیت و روشنگری مدرن را به منورالفکری ترجمه می کردند و به همین دلیل خود را منورالفکر می خواندند.

- ✓ مورد حمایت دولت های استعمارگر غربی بودند و این دولت ها به کمک آنان توانستند از موفقیت بیدارگران اسلامی جلوگیری کنند.
- ✓ در گام های نخست از ضرورت اصلاحات در دولت های کشورهای اسلامی سخن می گفتند و در نهایت با حمایت کشورهای غربی؛ در جوامع خود حکومت های سکولار تشکیل دادند.

اهداف دولت های استعمارگر غربی در حمایت از منورالفکران غرب گرا در جوامع اسلامی:

الف) جلوگیری از موفقیت بیدارگران اسلامی (بیدارگرانی که بیداری را در بازگشت به اسلام می دیدند).

ب) تشکیل دولت های سکولار (دولت های غیردینی) در جوامع اسلامی

نمونه هایی از دولت های سکولار غرب گرا، در جوامع اسلامی:

آتانورک در ترکیه، رضا خان در ایران، امان اله خان در افغانستان سه نمونه از قدرت های سکولاری اند که آرمان های منورالفکران غرب گرا را با حمایت دولت های غربی دنبال می کردند.

نکته: از جمله منورالفکران غرب گرایی که در کابینه رضا شاه حضور داشتند، می توان به علی اکبر داور/عبدالحسین تیمورتاش/محمد علی فروغی و تقی زاده اشاره کرد.

نکته: واقعه مسجد گوهر شاد در مشهد مقدس نمونه ای از برخورد رضا شاه با روحانیونی بود که مخالف اقدامات سکولار او در کشور بودند.

نکته: برخی اقدامات آتانورک در راستای ترویج سکولاریسم در ترکیه: کشف حجاب/ تغییر خط عربی به لاتین/ تبدیل مسجد ایاصوفیا به موزه/ لغو تقویم هجری / پخش اذان به زبان ترکی / انتشار اسکناس با نماد پان ترکیسم (اگرایش نژادپرستانه و افراطی به ترک زبان ها).

پایه و اساس قدرت حاکمان سکولار در کشورهای مسلمان:

قدرت حاکمان سکولار در کشورهای مسلمان، ریشه در اعتقادات و پیشینه تاریخی این کشورها نداشت. قدرت این حاکمان، وابسته به قدرت جهانی استعمار بود. آنان با اتکاء به این قدرت می کوشیدند مظاهر دینی و اسلامی را از بین ببرند و ساختارهای اجتماعی پیشین را حذف و ساختارهای اجتماعی جدیدی ایجاد کنند.

پیامدهای حکومت سکولار (حکومت منورالفکران غرب گرا) در کشورهای اسلامی:

- ✓ شکل گیری استبداد استعماری در کشورهای اسلامی و دنبال آن وابستگی به کشورهای استعمارگر و عمل کردن مطابق منافع آنها، (این عامل موجب مخدوش شدن استقلال سیاسی و اقتصادی جوامع اسلامی و سرکوب مقاومت های مردمی که با هدف حفظ هویت اسلامی صورت می گرفت؛ می شد).
- ✓ در هم ریختن نظم پیشین به بهانه رسیدن به جایگاه کشورهای غربی اما در عمل باقی ماندن در جایگاه کشورهای پیرامونی و استعمار زده (این عامل موجب اعتراض برخی از نخبگان غرب گرای این کشورها شد).

روشنفکران چپ گرا (نسل دوم روشنفکران):

ویژگی های روشنفکران چپ گرا در کشورهای اسلامی (نسل دوم روشنفکران):

- این روشنفکران همان نخبگان غرب گرایي بودند که به عملکرد نسل اول روشنفکران معترض بودند. (نخبگان غرب گرایي که به عملکرد نسل اول روشنفکران (منورالفکران غرب گرا) معترض بودند. نسل دوم روشنفکران (روشنفکران چپ گرا) را تشکیل دادند).
- این روشنفکران تحت تأثیر جریان های چپ در کشورهای اروپایی بودند. و بعنوان روشنفکران چپ کشورهای اسلامی شناخته می شوند.
- اعتراض این روشنفکران چپ به روشنفکران نسل اول (منورالفکران)؛ بدلیل گریز آنها از اسلام یا اسلام ستیزی آنها نبود. بلکه اعتراض آنها به کلیت نظام های لیبرالیستی و سرمایه داری غربی بود (از نوع اعتراضاتی که طی قرن ۲۰ در کشورهای غربی نسبت به عملکرد اقتصادی نظام های لیبرالیستی و سرمایه داری شکل می گرفت).
- حرکت های اجتماعی روشنفکران چپ؛ در چارچوب اندیشه های ناسیونالیستی، سوسیالیستی، و مارکسیستی بود.
- برخی از این روشنفکران؛ آشکارا اندیشه های غیرتوحیدی مطرح می کردند و برخی دیگر از رویارویی مستقیم با باورهای دینی مردم، خودداری می کردند و حتی گاهی اندیشه های خود را در پوشش دینی بیان می داشتند (مانند علی شریعتی).
- روشنفکران چپ کشورهای اسلامی مورد حمایت بلوک شرق؛ قرار داشتند.

پیدایش روشنفکری التقاطی چپ در کشورهای اسلامی :

برخی از این روشنفکران (مانند: علی شریعتی) با تلفیق اندیشه های سوسیالیستی و مارکسیستی با اندیشه های اسلامی موجبات شکل گیری نوعی روشنفکری التقاطی چپ در کشورهای اسلامی شدند.

دوران جاذبه و دافعه روشنفکران چپ گرا در کشورهای اسلامی :

الف) دوران جاذبه: روشنفکران چپ کشورهای اسلامی تا پیش از فروپاشی بلوک شرق در کشورهای اسلامی جاذبه داشتند و جریان چپ حتی در کشورهایی که تحت نفوذ بلوک غرب قرار داشتند نیز یک جریان اجتماعی تأثیر گذار بود.

ب) دوران دافعه: با فروپاشی بلوک شرق؛ جاذبه های روشنفکری چپ در سطح جهان از بین رفت و این جریان در کشورهای اسلامی نیز جاذبه خود را از دست داد و غرب گرایان این جوامع بار دیگر به اندیشه های لیبرالیستی غربی روی آوردند.

برای مطالعه
.....

اندیشه التقاطی: (Eclectic Thought) اندیشه ای که دارای تضاد و تناقض می باشد. اندیشه ای که از کنار هم نهادن یا ادغام مفاهیم ناسازگار، شکل یافته است.

اندیشه التقاطی؛ آمیزه ای از باورها و ارزش هایی است که از مکاتب و جهان بینی های مختلف گردآوری می شوند و بصورتی ناسازگار در کنار هم چیده می شوند (مانند: ادغام اندیشه های اسلامی با سوسیالیسم / مارکسیسم / لیبرالیسم و ... بدون توجه به مبانی آنها).

سوسیالیسم: (Socialism): به معنای جامعه گرایی یا اصالت جمع است. سوسیالیسم در اصل در مخالفت با سرمایه داری صنعتی و شرایط اقتصادی و اجتماعی ناشی از آن در اروپا شکل گرفت. اصل اساسی سوسیالیسم؛ برابری و عدالت اجتماعی است و برخی شاخص های آن عبارتند از: اجتماعی بودن مالکیت / توزیع عادلانه پروت / دولتی شدن امور / دخالت دولت در بهبود وضعیت شهروندان از طریق امکانات درمان و بیمه و رفاه اجتماعی و برنامه های بازنشستگی / و

کمونیسم (Communism): یکی از اشکال سوسیالیسم و به عبارت بهتر مرحله نهایی و آرمان سوسیالیسم است. خط اصلی آن؛ ایجاد جامعه بدون طبقه و بدون حکومت است. و برخی شاخص های آن عبارتند از: لغو کامل مالکیت خصوصی و مالکیت مشترک وسایل تولید / لغو نظام بهره کشی در فرایند کار و تولید و ...